

تباعد روحانیون مبارز استان همدان در دوران انقلاب اسلامی

ابوالفتح مؤمن^۱

چکیده

در نهضت اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی، روحانیون همدان از همان آغاز نهضت (۱۳۴۱) تا دستگیری و بازداشت وی و مهاجرت علما به تهران و تباعد امام خمینی از ایران و ورود به عراق با ایجاد دالان ارتباطی انقلابیون با آیت‌الله خمینی نقش بارزی داشتند. به سبب این فعالیت‌ها روحانیون همدان در روند انقلاب اسلامی بازداشت، دستگیر و زندانی شدند و در آستانه پیروزی انقلاب به نقاط دورافتاده کشور تباعد گردیدند. مسئله این مقاله بررسی علل تباعد، میزان تأثیرگذاری فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی روحانیون تباعدشده همدان علیه رژیم و فرجام کار آنها است. شیوه تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع آرشیوی - کتابخانه‌ای و تاریخ شفاهی انجام شده است. فرضیه مقاله این است که ارتباط معناداری بین اقلیم، عقاید، فعالیت‌های تبعیدیان، میزان تأثیرگذاری و مقبولیت اجتماعی در زیستگاه بومی و محل اقامت اجباری آنها وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت و عقاید سیاسی - اجتماعی و مذهبی روحانیون مبارز توأم با مقبولیت عامه با انتخاب تبعیدگاه‌های آنان ارتباط داشته که معمولاً محل تبعید از نظر اقلیم زندگی و فعالیت‌های آنان، دقیقاً مقابل وضعیت قبلی تبعیدشدگان بوده است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، روحانیون، همدان، فعالیت‌های سیاسی، تبعیدیان.

۱. دانش‌آموخته دکتری تاریخ، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، مدیر پژوهش و کارشناس اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (همدان).

m.abolfath@yahoo.com

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

Deportation of revolutionary clerics of Hamadan province during the Islamic revolution

Abulfat'h Momin¹

Abstract

In the Islamic movement led by Ayatollah Khomeini, Hamadan clerics played a significant role from the very beginning of the movement (1963) until his arrestment and detention and the migration of scholars to Tehran and the exile of Imam Khomeini from Iran and his entry into Iraq by creating a communication corridor between the revolutionaries and Ayatollah Khomeini. Because of these activities, the clerics of Hamedan were arrested and imprisoned during the process of the Islamic Revolution and were exiled to remote parts of the country on the eve of the victory of the revolution. The issue of this article is to investigate the causes of exile, the extent of the impact of the political-social activities of the exiled clerics of Hamedan against the regime and the outcome of their work. The research method in this research is descriptive-analytical, which was done by using archival-library sources and oral history. The hypothesis of the article is that there is a significant relationship between the climate, beliefs, activities of exiles, the degree of influence and social acceptability in their native habitat and their forced residence. The findings of the research show that the activities and political, social and religious beliefs of revolutionary clerics combined with popular acceptance are related to the choice of their places of exile.

Keywords: Islamic revolution, clerics, Hamadan, political activities, exiles.

1. PhD student in history, majoring in contemporary history, researcher of contemporary Iranian history and Hamadanologist, research manager and document expert of the Organization of Documents and the National Library of West Country Management (Hamadan). m.abolfath@yahoo.com

مقدمه

تبعید در لغت به معنای نفی بلد یا اخراج از وطن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵۵۹۳). همچنین به معنای دور کردن، راندن از شهر و موطن فرد می‌باشد (معین، ۱۳۸۱: ۴۳۶). تبعیدگاه در معنای عام، محلی است که دولت، شخص یا اشخاصی را محکوم و مجبور به اقامت در آنجا می‌کند. تبعیدگاه به مفهوم اخص، نقطه‌ای اغلب دورافتاده و بد آب‌وهواست که حکومت گروهی را که عناصر خطرناک و اصلاح‌ناپذیر تلقی می‌کند به خاطر ارتکاب جرائم سیاسی یا اجتماعی یا امنیتی، مجبور به زیستن در آن نقطه می‌کند (ایمانی، ۱۳۸۳: ۲۴۴).

در دوره پهلوی دوم افرادی مخالف سیاست‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بودند که طیف گسترده‌ای از آنان از طرفداران نهضت اسلامی به رهبری آیت‌الله خمینی محسوب می‌شدند. در این میان فعالیت و مبارزه سیاسی روحانیون در سراسر کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. نهضت با جریان اعتراض مراجع و علما و طیفی از توده‌های مذهبی جامعه علیه تصویب‌نامه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی (ماه‌های آبان و آذر ۱۳۴۱) شروع شد و در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ اوج گرفت و اعتراض به کاپیتولاسیون منجر به تبعید آیت‌الله خمینی به عنوان معمار اصلی نهضت گردید. دستگاه امنیتی در فاصله این دو سال از نهضت به اقتضای شرایط و فراز و نشیب قیام، راهکارهای امنیتی متعددی در پیش گرفت: عقب‌نشینی در قبال افزایش اعتراضات عمومی علیه لایحه انجمن‌ها، تصویب و اجرای تدریجی اصول ششگانه انقلاب سفید، حمله به مدرسه فیضیه قم، سرکوب شدید قیام ۱۵ خرداد، بازداشت آیت‌الله خمینی و ده‌ها تن از علما و وعاظ، تعقیب و تبعید تنی چند از بازاریان تهران، اعدام مبارزین از جمله طیب حاج‌رضایی و در نهایت تبعید آیت‌الله خمینی از کشور از عمده راهکارهای مقابله هیئت حاکمه با فعالان و مبارزان عرصه سیاست در این مقطع بود. ناکامی هیئت حاکمه در متوقف‌ساختن حرکت نهضت در عمل ثابت کرد که این سیاست‌های مقابله‌جویی نمی‌تواند اهداف مورد نظر دستگاه امنیتی را برآورده سازد. زیرا روحانیون نوگرای سیاسی به تدریج و غالباً طی کسب تجارب مبارزاتی، به‌ویژه با گسترش دامنه انقلاب و فراگیری آن، برخی از راهکارهای امنیتی فوق را خنثی می‌کردند. لذا رژیم سیاست تبعید روحانیون مبارز در سراسر کشور

در پیش گرفت. بر این اساس در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷ تبعید روحانیون در چهار مقطع و مرحله صورت گرفت که عبارت بود از:

(الف) مرحله اول: گسترش دامنه اعتراضات به تبعید آیت‌الله خمینی و ادامه نهضت (۱۳۴۵ - ۱۳۴۳)

(ب) مرحله دوم: پیام‌رسانی آیت‌الله خمینی از نجف و اعلام مرجعیت ایشان (۱۳۵۰ - ۱۳۴۶)

(ج) مرحله سوم: قتل یک پاسبان در قم توسط گروه ابوذر (۱۳۵۴ - ۱۳۵۱)

(د) مرحله چهارم: قیام ۱۹ دی قم، ۲۹ بهمن تبریز و برگزاری سلسله مراسم‌های چهلمین روز شهدا (۱۳۵۵-۱۳۵۷).

در استان همدان تبعید روحانیون مبارز، که با شروع نهضت اسلامی فعالیت خود را علیه رژیم شروع کرده بودند، مربوط به مرحله چهارم می‌باشد. تا اوایل سال ۱۳۵۷ روحانیون مبارز دستگیر و بازداشت، زندانی و ممنوع‌المنبر شده بودند، اما تبعیدی در کار نبود. با ورود به سال ۱۳۵۷ و بزرگداشت شهدای ۱۹ دی قم و ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ تبریز، رژیم از ابزار تبعید برای مقابله با روحانیون مبارز استان همدان استفاده نمود. در واقع بررسی علل تبعید روحانیون مبارز و پیامدهای آن، مسئله این تحقیق می‌باشد. این نوشتار با تکیه بر اسناد و منابع درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل می‌باشد:

۱. روحانیون مبارز استان همدان چرا تبعید شدند و چه نقشی در گسترش آموزه‌های انقلاب اسلامی و رهبری جامعه داشتند؟

۲. روحانیون مبارز به چه شهرهایی تبعید شدند و در آنجا چه فعالیت‌هایی داشتند و سرانجام چگونه آزاد دند؟

پیشینه پژوهش

درباره موضوع تبعید در دوره پهلوی دوم به پژوهش‌های ذیل می‌توان اشاره نمود: رحیم روح‌بخش در مقاله «تبعیدهای نهضت روحانیت: بررسی علل و پیامدهای تبعید روحانیان مبارز» در مجله حضور (۱۳۸۴ شماره ۵۲) با محوریت آیت‌الله خمینی به این موضوع پرداخته است. افزون بر این مقاله کتاب‌های اسنادی: یاران امام به روایت اسناد ساواک و روزشمار انقلاب اسلامی در استان‌ها از سوی مرکز بررسی تاریخی وزارت اطلاعات با ارائه اسناد خام راجع به انقلاب اسلامی و تبعید انقلابیون می-

پردازد. در کنار این منابع اسنادی، در کتاب «ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (۱۳۵۷-۱۳۳۵)» و همچنین کتاب شکنجه به روایت شکنجه‌گران نیز مطالب مفیدی در این باره دارد. اما در مورد تبعید روحانیون مبارز استان همدان تاکنون پژوهش جامع و کاملی صورت نگرفته است که به علت یابی این موضوع پرداخته باشد. تنها در کتاب «انقلاب اسلامی در همدان» تألیف ابوالفتح مؤمن در بحث کلان انقلاب در همدان در لابه‌لای موضوعات به‌طور پراکنده و کلی به این بحث اشاره شده است.

سرآغاز مبارزه

با رحلت آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی مرجع تقلید شیعیان، در نهم فروردین ۱۳۴۰ مراسم ترحیم بسیاری از سوی مردم ایران از جمله در همدان و حتی از سوی اقلیت‌های مذهبی برگزار شد (ساکما: ۹۱/۲۴۸/۵۷۲ و ۹۱/۲۸۰/۷۲۶). اما هم‌زمان این سؤال پیش آمد که بعد از ایشان مرجع عام شیعیان کیست؟ شاه بلافاصله تلگراف تسلیتی به آیت‌الله حکیم در نجف ارسال نمود و معنای آن این بود که پس از آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله حکیم مرجع می‌باشد (مؤمن، ۱۳۸۶: ۱ / ۴۲۴). اما در همدان عده‌ای آیت‌الله شریعتمداری و گروهی آیت‌الله گلپایگانی را به‌عنوان مرجع می‌شناختند. مردم همدان به خاطر مسافرت‌های تابستانی آیت‌الله خمینی به همدان با او آشنایی داشتند و ایشان را به‌عنوان مدرس حوزه علمیه می‌شناختند (نیکزاد طهرانی، ۱۳۷۸: ۵۲). با انتصاب اسدالله علم به نخست‌وزیری در ۲۸ تیرماه ۱۳۴۱، او دو ماه و نیم پس از روی کار آمدن، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در هیئت دولت به تصویب رساند. این قانون آزمایشی از سوی دولت وی برای مقابله با روحانیون بود، که تصور می‌کرد رهبری مذهبی در آن دوره دچار تفرقه و پراکندگی شده‌است و قدرت اقدامی یکپارچه را ندارد. در این قانون قسم خوردن به قرآن کریم حذف و همچنین شرط مسلمان بودن نادیده گرفته شده بود. در روز شانزدهم مهرماه ۱۳۴۱ مراجع قم به رهبری آیت‌الله خمینی در منزل آیت‌الله حائری تشکیل جلسه دادند و خواهان واکنش علمای شهرستان‌ها و لغو تصویب‌نامه از شاه شدند (عاقلی، ۱۳۷۲: ۱۴۵). در همدان نیز آیت‌الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی

از روحانیون مبارزه و مرجع که رحلت و تشییع جنازه او در این شهر در ۳ مرداد ۱۳۵۷ بزرگ‌ترین تظاهرات را علیه رژیم در همدان شکل داد (مؤمن، ۱۳۹۰: ۴۴۹)، در تلگرافی به شاه به این تصویب‌نامه اعتراض نمود (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۴۱/۱). علاوه بر آن، علما و روحانیون همدان طی تلگرافی به امیراسدالله علم مراتب اعتراض خود را به تصویب‌نامه مذکور اعلام داشتند (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴: ۳/۳۸). بدین ترتیب روحانیون همدان اولین حرکت خود را به پیروی از مراجع در اعتراض به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز نمودند که در نهایت شاه عقب‌نشینی نمود و در هفتم آذر ۱۳۴۱ لغو تصویب‌نامه را اعلام کرد. اما در نوزدهم دی ۱۳۴۱ اصول شش‌گانه‌ای را تحت عنوان انقلاب سفید اعلام نمود که قرار بود آن را به فراندوم بگذارد ولی بلافاصله آیت‌الله خمینی طی اعلامیه‌ای آن را تحریم کرد (مراسان: ۱۱۱/۱). در همدان نیز آیت‌الله سید نصرالله موسوی بنی‌صدر همدانی که مقبولیت عامه داشت، و آخوند ملاعلی همدانی فراندوم را تحریم کردند و از مردم خواستند در این انتخابات شرکت نکنند (مؤمن، ۱۳۸۶: ۴۳۶/۱). با حمله مأموران رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه قم در دوم فروردین ۱۳۴۲ و ضرب و شتم طلاب و روحانیون، حرکت نهضت اسلامی وارد مرحله جدیدی شد به طوری که انقلابیون و روحانیون همدان در محکومیت رژیم و حمایت از مراجع تلگرافی به مراجع قم و آیت‌الله خمینی ارسال کردند (مراسان: ۳۷۹۲/۳).

پس از این واقعه و دیدار اقشار مختلف مردم همدان با آیت‌الله خمینی، کانون‌ها و محافل زیادی برای مبارزه با رژیم پهلوی شکل گرفت. به دنبال حادثه مذکور عده‌ای از روحانیون مبارز همدان از جمله حجت‌الاسلام سید فاضل حسینی ورکانه، سید محسن حسینی، سید احمد حسینی ملایری، شیخ فخرالدین راحمی، شیخ احمد رحمانی و ابوالقاسم خواب‌نما (حسینی‌پناه) در منزل سید احمد حسینی ملایری اجتماع کردند و با هم عهد و پیمان بستند که تا سرنگونی رژیم مبارزه کنند (مصاحبه با حسینی ورکانه، ۱۳۷۸/۸/۲). بدین ترتیب مبارزه روحانیون علیه رژیم وارد مرحله جدیدی شد و اعلامیه‌های آیت‌الله خمینی توسط افرادی به استان همدان وارد و توزیع می‌گردید (مراسان: ۱۱۱/۳). فعالیت انقلابیون و روحانیون استان همدان با سخنرانی آیت‌الله خمینی و قیام ۱۵ خرداد علیه رژیم شدت بیشتری گرفت و به همین خاطر در آستانه مسافرت شاه به همدان برای افتتاح سد شهناز در ۱۸ خرداد ۱۳۴۲ که مصادف با ماه محرم بود، اسدالله علم نخست‌وزیر به محمدرضا قوام فرماندار همدان،

در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۲ دستور داد که روحانیون و انقلابیون را شناسایی و سپس آنها را دستگیر و یا تبعید نماید:

«به قرار اطلاع ملانماها و مقدس‌نماها در همدان خیلی فعالیت می‌کنند به طوری که ممکن است در ایام محرم شما را به زحمت بیندازند. اخیراً یک دسته بزرگ برای ملاقات با خمینی به قم رفته‌اند. لازم است از حالا پیش‌بینی بفرمایید. اولاً تعیین کنید اینها که به قم رفته‌اند کیستند و گزارش بفرمایید ثانیاً در صورت لزوم بیش از محرم سردسته‌ها را گرفته و یا تبعید کنید» (ساکما: ۹۹۸/۴۸۳).

بدین ترتیب برای اولین بار صحبت از تبعید روحانیون و انقلابیون در همدان مطرح شد، هرچند که دستگیری و بازداشت‌هایی صورت گرفت، اما کسی از روحانیون و انقلابیون تبعید نشد. چنان‌که گذشت، تبعید روحانیون همدان در موج چهارم تبعیدی‌ها یعنی در اوایل سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد.

تبعید روحانیون مبارز در فروردین ۱۳۵۷

تبعید روحانیون انقلابی استان همدان توسط رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷ به دو مرحله و تاریخ تقسیم می‌شود که هر دوی آنها مربوط بزرگداشت شهدای خیزش مردم شهرهای ایران علیه رژیم بود. مرحله اول در بزرگداشت شهدای قیام مردم قم و تبریز در نخستین روز فروردین ۱۳۵۷ برگزار شد که سه تن از روحانیون انقلابی به نام حجت‌الاسلام سیدفاضل حسینی‌ورکانه، شیخ‌حسین عنادلیب‌زاده، سیدمجتبی صباح‌حسینی دستگیر و تبعید شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۱۸۸/۲) و سپس سید شهاب‌الدین حسینی روحانی دعوت‌شده از قم بعد از سخنرانی دستگیر و تبعید شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان: ۲۱۱/۲). روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله‌ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به نام احمد رشیدی مطلق به چاپ رسانید. در این مقاله علاوه بر حمله به آیت‌الله خمینی، روحانیون به دو گروه تقسیم شده بودند؛ گروه اول ظاهراً با رژیم و اصلاحات ترقی خواهانه آن موافق بودند و گروه دوم کسانی بودند که هنوز در عصر بی‌خبری به سر می‌بردند و مخالف هرگونه ترقی و رفاه عمومی

بودند؛ یعنی همان افرادی که حوادث ۱۵ خرداد را به وجود آوردند و از آیت‌الله خمینی پیروی و حمایت کرده بودند (مؤمن، ۱۳۸۶: ۴۶/۲). انتشار مقاله مذکور با مخالفت گسترده مردم ایران مواجه شد. نخستین شهری که مردم آن واکنش تندی نشان دادند شهر قم بود، تظاهرات مردم قم در روز ۱۹ دی ۱۳۵۶ علیه نویسنده مقاله از طرف رژیم به شدت سرکوب شد که در نتیجه عده‌ای از مردم و طلاب دستگیر، مجروح و کشته شدند. به دنبال خیزش مردم قم، مردم و روحانیون شهر تبریز نیز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ مراسم چهارم شهدای قم را برگزار کرده‌اند که به تظاهرات علیه رژیم تبدیل شد و در مقابل مأموران شهربانی و انتظامی به مردم شلیک کردند و تعدادی را دستگیری و عده‌ای را کشتند (نیکبخت، ۱۳۹۴: ۴۶؛ موسوی، ۱۳۹۷: ۶۰). برخورد قهرآمیز رژیم علیه مردم تبریز واکنش‌های تندی را در سراسر کشور از جمله در همدان در پی داشت. در اسفند ۱۳۵۶ طلاب همدانی حوزه علمیه قم اعلامیه‌ای در محکومیت اقدام رژیم و بزرگداشت شهدای قم و تبریز صادر نمودند (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴: ۴۴۷/۴). آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی به منظور کسب تکلیف و اعلام حمایت دوباره و هماهنگی هرچه بیشتر با مراجع تقلید قم در روز ۲۱ اسفند ۱۳۵۶ حجت‌الاسلام سیدفاضل حسینی‌ورکانه و سیدمحسن حسینی را به نمایندگی به این شهر اعزام نمود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۲۸۹/۳). همچنین در روز ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ آیت‌الله آخوند همدانی به اتفاق چند نفر از طلاب و روحانیون همدان در کتابخانه مدرسه آخوند جلسه‌ای تشکیل و درباره وقایع شهرهای قم و تبریز به مشورت و بحث پرداختند که پیرو این جلسه حجت‌الاسلام ابوالقاسم خواب‌نما (حسینی‌پناه) و شیخ رضا ایزدی به منازل سایر وعاظ و روحانیون شهر همدان رفتند تا آمادگی آنها را برای اقدامات بعدی جلب نمایند (همان‌جا). بعد از این اقدامات و بازگشت نمایندگان اعزامی به قم، روحانیون همدان در روز ۲۹ اسفند ۱۳۵۶ در منزل آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی تجمع و پیش‌نویس اعلامیه‌ای را در تجلیل از شهدای قم و تبریز و محکومیت اقدام رژیم، تهیه و سپس منتشر نمودند و اعلام داشتند که روز اول فروردین ۱۳۵۷ در مسجد جامع همدان مجلس بزرگداشتی برای شهدای مذکور برگزار می‌شود (مراسان: ۱۲۱۷۶/۶). از جمله امضاکنندگان این اعلامیه حجت‌الاسلام سیدفاضل حسینی‌ورکانه، حسین عندلیب‌زاده و محمدتقی عالمی‌دامغانی بودند. مقامات امنیتی و سیاسی

استان همدان به محض آگاهی از تصمیم روحانیون شهرستان همدان سعی نمود با دعوت از روحانیون همدان برای تبریک عید در منزل استاندار، از برگزاری مجلس مذکور جلوگیری کند:

«قرار بود از طرف روحانیون همدان مجلس ترحیمی برای کشته‌شدگان تبریز برگزار گردد که با اقدامات سازمان اطلاعات و امنیت، اعلام چگونگی به شهربانی محل، موسی خوانساری توسط رئیس شهربانی احضار و پس از گفتگو با وی و تماس با آخوند ملاعلی برگزاری مجلس ترحیم فعلاً منتفی گردیده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۳/۳۶۲؛ ساکما: ۹۱/۲۹۳/۵۵۱۷)

از سوی دیگر، در گزارش قدرت‌الله خدیاری استاندار همدان به جمشید آموزگار نخست‌وزیر، در خصوص پیشگیری از برگزاری مجلس ترحیم و فعالیت انقلابیون و روحانیون در فروردین ۱۳۵۷ آمده است:

«شورای هماهنگی استان با حضور مقامات انتظامی و امنیتی در روزهای قبل از فروردین در دفتر اینجانب تشکیل با توجه به اطلاعات سازمان‌های امنیتی و انتظامی پیش‌بینی‌های لازم برای جلوگیری از بی‌نظمی و ایجاد اختلالگری از جانب افراد اختلالگر و آشوب‌طلب در سطح استان به عمل آمد و چون اطلاع حاصل شده بود که روز اول فروردین به‌عنوان همدردی با کشته‌شدگان وقایع تبریز و قم و تبعیت از اعلامیه‌های صادره از قم مبنی بر عزای عمومی ممکن است عده‌ای در مساجد تجمع و تظاهرات بنمایند و قبلاً پیش‌بینی‌های لازم در شورای هماهنگی معمول و ترتیبی داده شد که ده نفر از روحانیون به‌عنوان تبریک عید اینجانب را صبح روز عید در منزل ملاقات و ضمن اعلام تبریک در پاسخ اینجانب مبنی بر ابلاغ مراسم شاهانه و دولت به جامعه روحانیت یک جلد کلام‌الله مجید از طرف آنان به اینجانب اهداء گردد و از طرف اینجانب هم سکه‌های پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی که مزین به تمثال مبارک اعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر و شاهنشاه رضاشاه کبیر بود به مناسبت یکصدمین سال زادروز رضاشاه کبیر به هر یک اهدا گردد» (ساکما: ۹۱/۲۹۳/ ۶۸۳).

با وجود تلاش استاندار همدان، مجلس مذکور با حضور گسترده قشرهای مختلف مردم در مسجد جامع برگزار شد. در آن مجلس سه نفر از روحانیون و وعاظ به نام‌های حجت‌الاسلام سیدمجتبی حسینی صباح، سید فاضل حسینی ورکانه (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۳۹۰۶) و شیخ حسین عندلیب‌زاده به سخنرانی پرداختند. آنها در سخنان خود حملات شدیدی به رژیم داشتند به گونه‌ای که موجب تظاهرات و شعار دادن مردم علیه رژیم شد. در گزارش فروردین‌ماه فرمانداری شهرستان همدان در این خصوص آمده است:

«ساعت ۱۰ صبح روز اول فروردین ماه عده‌ای حدود دو هزار نفر که بیشتر آنان را نوجوانان و اشخاصی که کار و حرفه معینی ندارند تشکیل می‌دادند در مسجد جامع همدان اجتماع و سه نفر از معمین و طلاب که در شهر معروفیتی نداشتند به یادآوری وقایع قم و تبریز پرداخته و سخنان تحریک‌آمیزی ایراد نمودند ولی با هوشیاری مأمورین انتظامی و تدابیری که پیش‌بینی شده بود خوشبختانه اتفاق ناگواری پیش نیامده و پس از متفرق شدن مردم به وسیله مأمورین شهربانی استان دو نفرشون به اسامی سید مجتبی حسینی و شیخ حسین عندلیب‌زاده تحت نظر قرار گرفتند و سومی به نام سیدفاضل حسینی ورکانه متواری گردید که بلافاصله برایشان درخواست تشکیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شد. کمیسیون مذکور ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز در فرمانداری تشکیل و پس از رسیدگی به اقدامات و اظهارات آنان با وجود عدم موافقت و همکاری قاضی نماینده دادگاه شهرستان با اکثریت پنج نفر، هر یک از آنان به یک‌سال اقامت اجباری در شهرهای پاوه و مهاباد و مرکز بخش دیواندره محکوم و دو نفر اول فوراً به محل‌های اقامت اجباری اعزام و نفر سوم روز پانزدهم فروردین دستگیر و فرستاده شد» (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۴۰۴۹ و ۹۱/۲۹۳/۲۵۴۷).

در گزارش استانداری همدان نیز همه این موارد تأیید شده است، با این تفاوت به‌جای نوجوان و اشخاصی که کار و حرفه معینی ندارند، نوجوانان و روستائیان ذکر شده است (همان: ۹۱/۲۹۳/۶۸۳). پس با این اوصاف مشخص می‌شود که بیشتر جمعیت از آن جوانان و نوجوانان بوده است و روستائیان نیز در این مجلس حضور داشتند. از سوی دیگر قاضی نماینده دادگاه شهرستان همدان با

تبعید این افراد موافقت نداشته و موارد اتهامی را در این زمینه مورد تأیید قرار نداده است. براساس اسناد ساواک، سیدمجتبی حسینی صباح و شیخ حسین عدلیب‌زاده در همان روز به دیواندره و پاوه تبعید و اعزام شدند و سیدفاضل حسینی‌ورکانه در روز پانزدهم فروردین پس از بازگشت از مسافرت دستگیر و به مهاباد محل تبعیدش اعزام گردید. سید فاضل حسینی‌ورکانه در مورد نحوه دستگیری و تبعیدش به مهاباد می‌گوید:

«در همدان یک مجلس نو عیدی در مسجد جامع در اول فروردین ۱۳۵۷ برگزار شد که بنده سخنرانی کردم. در آن قضیه اول قرار شد راهپیمایی کنند اما آیت‌الله العظمی آخوند همدانی گفتند راهپیمایی را من صلاح نمی‌دانم، شما راهپیمایی کنید دست مأمورین رژیم باز است و بهانه هم دستشان است و عده‌ای از ما را می‌کشند، ولی سخنرانی مناسب است. من در آن مجلس سخنرانی کردم و خیلی هم شدید بود و بی‌پرده و صریح گفتم ایشان [شاه] مسلمان نیست. وقتی که از منبر پایین آمدم سرگرد متین رئیس ساواک، و صبوری رئیس شهربانی همدان، جلو آمدند و سرگرد متین گفت؛ آقای حسینی امروز عید است، آیا منزل هستید بیایم دیدن شما. گفتم: تعجب می‌کنم امام فرموده ما عید نداریم و تازه من قصد مسافرت دارم. گفت: پس الان کجا تشریف می‌برید؟ گفتم: مدرسه می‌روم. گفت منزل کی می‌روی؟ گفتم بعد از چندی منزل می‌روم. آن‌ها دستگیری مرا در بازار با وجود مردم صلاح نمی‌دانستند. ما هم همان روز اول عید به اهواز که باجناقم آنجا بود رفتیم و سپس با ایشان به مشهد رفتیم و روز ۱۳ فروردین به قم برگشتیم. من خدمت آیت‌الله پسندیده رفتم و گفتم وضع من این است، آیا همچنان متواری باشم؟ یا بروم همدان و دستگیرم کنند، صلاح چیست؟ فرمودند شما بروید همدان من آمده‌ام همدان و روز چهاردهم صبح که از منزل بیرون رفتم مرا دستگیر و به ژاندارمری بردند و از آنجا هم به مهاباد تبعید کردند» (مصاحبه با حسینی ورکانه، ۸/۲ / ۱۳۷۸).

بعد از تبعید روحانیون مذکور، استانداری همدان علت تبعید این افراد را چنین اعلام نمود:

«طبق مقررات تشکیل هرگونه اجتماع باید با اجازه قبلی شهربانی باشد. این اشخاص بدون اخذ اجازه از شهربانی اقدام به تشکیل اجتماع نموده با سخنان تحریک آمیز مردم را که بیشتر از طبقات جوان بودند به ضدیت علیه دولت و مردمی که می‌خواهند با آرامش به کار و کسب خود مشغول باشند تحریف نموده‌اند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۸/۵).

بدین ترتیب استانداری همدان علت دستگیری و تبعید روحانیون مذکور را برگزاری اجتماع بدون مجوز شهربانی، تحریک مردم به ویژه جوانان علیه دولت و برهم زدن آرامش بازار کسب و کار اعلام کرد.

روحانیون و انقلابیون همدان پس از برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای قم و تبریز و تظاهرات علیه رژیم، خود را برای برگزاری چهلم شهدای تبریز براساس تماس و هماهنگی آیت‌الله سیدصادق روحانی در روز ششم فروردین ۱۳۵۷ با آیت‌الله آخوندملاعلی همدانی، آماده می‌کردند که قرار بود این مراسم هم‌زمان در قم و همدان در روز دهم فروردین برگزار شود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۴: ۴۲/۴). در روز هشتم فروردین اعلامیه‌هایی درباره وقایع تبریز و لبنان توسط حسن غفاری، عزیز روزبه و قربان اصله‌شهری توزیع شد که موجب دستگیری افراد مذکور توسط مأموران شهربانی گردید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: ۶۸/۴). با این مقدمات در روز دهم فروردین ۱۳۵۷ هم‌زمان با شهر قم در مسجد جامع همدان مراسم مذکور با حضور اقشار مختلف مردم برگزار شد. در این روز از صبح تمام مغازه‌ها و بازار همدان تعطیل گردید. سخنران این مجلس واعظی به نام سیدشهاب‌الدین حسینی بود که با معرفی آیت‌الله روحانی از سوی حجت‌الاسلام محمدتقی عالمی‌دامغانی از قم به همدان دعوت شده بود. وی ضمن سخنرانی به شدت به رژیم حمله کرد و آن را به باد انتقاد گرفت. مجلس به حدی تند شد که مردم پس از پایان مراسم با سردادن شعار علیه رژیم به مأمورین شهربانی حمله کردند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۵۷۳، ۱۲ فروردین ۱۳۵۷: ۴). پس از پایانی سخنرانی، سیدشهاب‌الدین حسینی دستگیر و بر اساس مصوبه کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان همدان به شش ماه اقامت اجباری در سقز محکوم و به محل تبعید اعزام شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۲۶۸/۲). در گزارش روز دهم

فروردین ۱۳۵۷ استانداری و فرمانداری شهرستان همدان، در خصوص این مراسم و نحوه دستگیری سید شهاب‌الدین حسینی چنین آمده است؛

«... عصر روز نهم شورای هماهنگی تشکیل و تدابیر و پیش‌بینی‌های لازم معمول و از صبح روز دهم مأمورین انتظامی و نظامی در کلیه نقاط استان به حالت آماده‌باش مراقب حفظ نظم بودند. از ساعت ده صبح به تدریج عده‌ای حدود چهارهزار نفر در مسجد جامع همدان اجتماع و چون هیچ‌یک از روحانیون همدان حاضر به سخنرانی در اجتماع نشده بودند یک نفر معمم به نام سید شهاب‌الدین حسینی که قبلاً با دعوت چند نفر از افراد محل از قم به همدان آمده بود به منبر رفته و ضمن ایراد مطالبی در خصوص وقایع قم و تبریز و تأیید اعمال خرابکارانه در دیگر نقاط کشور از مردم همدان به علت عدم شرکت همه‌جانبه به تظاهرات و تشکیل اجتماعات و خراب‌کاری انتقاد و آنان را به ایجاد آشوب و بلوایی تحریک می‌نماید که با مراقبت کامل مأمورین انتظامی بعد از اتمام سخنرانی اجتماع متفرق و روحانی مذکور به اتفاق عده‌ای از جمله دار و دسته خود به منزل میرزا محمدتقی عالمی که یکی از روحانیون همدان است رفته با تعویض لباس هنگام خروج به قصد فرار از همدان با مأمورین که در تعقیب وی بودند برخورد، خود و اطرافیانش با مأمورین گلاویز و یکی از طرفداران وی به نام هادی خضریان با کارد به یکی از پاسبان‌های شهربانی [سرابکی] حمله و او را با ۲۲ ضربه چاقو به شدت مجروح و چون قصد قتل وی را داشت به وسیله مأموران دیگر شهربانی ضارب مذکور با سه گلوله مجروح و معمم قمی با یکی دیگر از همدستانش دستگیر می‌گردند و پاسبان مجروح و ضارب او به بیمارستان منتقل و حال پاسبان و ضارب فعلاً خوب است» (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۴۰۴۹).

سید شهاب‌الدین حسینی که توسط شیخ محمدتقی عالمی دامغانی به همدان دعوت شده بود و توسط جواد معطری معروف به «جلیل» و فردی به نام رضا به همدان آورده شد، به همین خاطر به منزل عالمی رفته و پس از خروج از آنجا دستگیر و تبعید گردید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۱۹۰/۲). از سوی دیگر جواد معطری از بازاریان همدان نیز به همین

سبب و به جرم اخلال در نظم عمومی و تحریک مردم به یک سال اقامت اجباری در شهرستان بانه محکوم و در پانزدهم فروردین ۱۳۵۷ به بانه اعزام شد و در مسافرخانه دلگشایی این شهرستان اقامت گزید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان: ۲/۲۰۶). با برگزاری این مراسم و شعارهایی که مردم علیه رژیم دادند و دستگیری و تبعید سخنران مراسم با مصوبه کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی توسط مأمورین شهربانی همدان، تبلیغات رژیم علیه انقلابیون و تظاهرات اعضای حزب رستاخیز و مأمورین ساواک در ۱۳ فروردین ۱۳۵۷ به نفع رژیم خنثی شد (روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸: ۳/۳۵). بدین ترتیب چهار نفر از روحانیون فعال و انقلابی در همدان به خاطر سخنرانی‌های شدید علیه رژیم در مراسم بزرگداشت شهدای قم و چهلم شهدای تبریز به شهرستان‌های دیواندره، مهاباد، پاوه و سقز که سنی‌نشین بودند و سنخیتی از نظر مذهبی، قومی و جغرافیایی با محل تبعیدشدگان نداشت، تبعید شدند.

اردیبهشت و تبعیدی دوباره

مرحله دوم تبعید روحانیون مبارز نیز در مراسم یادبود شهدای یزد، جهرم و اهواز در مسجد جامع همدان به اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ صورت گرفت که بعد از پایان مراسم حجت‌الاسلام محمدتقی عالمی-دامغانی نیز به خاطر سخنرانی به شهرستان سردشت تبعید شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۲/۲۱۶). در نهادند نیز حجت‌الاسلام محمدعلی حیدری و شیخ احمد زمانیان کوهانی به خاطر همین فعالیت‌ها دستگیر و تبعید شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان: ۲/۲۱۷).

دستگیری انقلابیون و تبعید روحانیون همدان پس از مراسم یادبود شهدای قم و تبریز نتوانست مانع از تظاهرات و مجالس عزاداری و اعتراض مردم علیه رژیم گردد. در روز هشتم اردیبهشت ۱۳۵۷ تعدادی از عکس‌های آیت‌الله خمینی توسط سرنشینان یک پیکان ناشناس در همدان توزیع شد (مراسم: ۱۲۱۷۶/۶). به دنبال آن اعلامیه‌هایی به امضای جامعه روحانیت همدان مبنی بر درخواست آزادی تبعیدیان در مدرسه آخوند پخش گردید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد روزشمار استان

همدان، ۱۳۸۹، ۲۲۲/۲). در همان روز (۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۷) اعلامیه‌های جامعه روحانیت اصفهان و سید محمدصادق روحانی نیز در همدان توزیع گردید:

«... اگرچه هنوز دو چهلیم از فاجعه کشتار قم و یک چهلیم از واقعه خونین تبریز نگذشته بود که وقایع مشابهی در شهرهای دیگر و به‌خصوص در یزد و جهرم و همدان و اصفهان و اهواز و... رخ داد و عده زیادی کشته و زخمی شدند و برای چندمین بار ما را ماتم‌زده نمود و در سوگ نشانندند... ما روز نوزدهم اردیبهشت ۱۳۵۷ روز عزای عمومی اعلام می‌داریم و در آن، حوزه‌های علمیه در سراسر ایران تعطیل است. از مردم مسلمان ایران انتظار داریم که صفوف خود را زیر پرچم اسلام فشرده‌تر سازند و در برابر نیروهای اهریمنی و طاغوتی مردان استقامت نمایند...» (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵: ۱۹۱/۵).

افزودن بر اعلامیه مذکور، اعلامیه‌هایی از آیت‌الله سیدمحمد وحیدی و شیخ محمد صدوقی نیز که در مورد وقایع همدان، یزد، جهرم و اصفهان بود، در همدان توزیع گردید (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲۸۲/۵). پس از توزیع اعلامیه‌های مذکور در همدان، در روز نوزدهم اردیبهشت مجلس یادبود چهلیم شهدای یزد، جهرم و... در مسجد جامع همدان با شرکت گسترده قشرهای مختلف مردم که با تعطیلی بازار همراه بود، برگزار شد. در این مجلس حجت‌الاسلام محمدتقی عالمی‌دامغانی به سخنرانی پرداختند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان ۱۳۸۹: ۲/۲۲۹). در پایان مراسم مردم ضمن سردادن شعارهایی علیه رژیم با مأموران انتظامی درگیر شدند که در اثر تیراندازی مأموران رضا جاویدمهر زخمی گردید و عده‌ای نیز دستگیر شده‌اند. ساواک همدان در گزارشی در این باره نوشت:

«در همدان وضع به‌طور کلی عادی بوده و فقط تعداد معدودی از مغازه‌ها اطراف و جلوی مسجد جامع تعطیل و از ساعت یک در مسجد مذکور مجلس یادبود تشکیل شد. در این مجلس که حدود هزار نفر شرکت کرده بودند دو نفر واعظ پیرامون حوادث اخیر شهرهای مختلف و کشته شدن معدودی از اخلاص‌گران سخن گفته و در ساعت ۱۱ مراسم پایان یافت. تعدادی از حاضرین در مجلس پس از خروج از مسجد

به دادن شعارهای مضره و تظاهرات میادرت کرده‌اند که مأموران انتظامی با شلیک چند تیر هوایی آنان را متفرق و در این جریان یک نفر به نام رضا جاوید مهر کارمند بهداری همدان از ناحیه پا مورد اصابت گلوله واقع و به بیمارستان منتقل و ده نفر از اخلال‌گران دستگیر شدند» (همان جا).

اما در گزارش فرمانداری همدان به استانداری این قضیه به شکل دیگری نیز انعکاس پیدا کرده است:

«روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷ به‌عنوان چهلم وقایع جهرم، اهواز و یزد عده‌ای در مسجد جامع همدان اجتماع نموده و مشغول تلاوت قرآن بودند که تعدادی از دانشجویان مدرسه عالی کشاورزی همدان با آنها پیوسته و دسته‌جمعی با دادن شعارهای ضدملی و میهنی باعث بی‌نظمی و اغتشاش در مسجد گردیده و از آنجا قصد رفتن به خیابان‌های شهر را نموده که توسط شهربانی جلوگیری به عمل آمد و در نتیجه ۲۱ نفر از آنان دستگیر و به زندان تحویل شده‌اند که با دادن ضمانت مرخص گردیدند. به دنبال این جریان‌ات یکی از معممین به نام محمدتقی عالمی که چندی پیش با آشوبگران و اخلال‌گران سایر شهرستان‌ها بخصوص قم مرتباً تماس داشته و افرادی را برای سخنرانی در مساجد و برهم زدن نظم از قم به همدان دعوت می‌نموده توسط شهربانی به درخواست کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی درباره نامبرده تشکیل گردید که روز ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷ چگونگی در کمیسیون مذکور مطرح و مشارالیه به دوازده ماه اقامت اجباری در شهر سردشت محکوم و به آن شهر اعزام شد» (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۴۰۴۹).

بدین ترتیب حجت‌الاسلام محمدتقی عالمی که پیش‌نماز مسجد پیغمبر و از فعالان انقلاب اسلامی بود به تبعید محکوم گردید. روزنامه کیهان درباره تعطیلی بازار همدان و دستگیری افراد در این مراسم نوشت:

«گروهی از مردم در مسجد جامع ماندند و شعار دادند و تظاهراتی برپا کردند و مأموران انتظامی که احتمال می‌دادند تظاهرات دامنه وسیعی پیدا کند ناچار به مداخله شده و با شلیک چند تیر هوایی تظاهرکننده را متفرق کردند و در جریان تیراندازی‌ها

یک تیر به سقف مسجد خورد و بعد از کمانه کردن پای یکی از تظاهرکنندگان را زخمی کرد و در جریان تظاهرات هشت نفر دستگیر شده‌اند و بازار حلبی‌سازها، نخودبریزها، قنادها و فرش‌فروش‌ها و قسمت‌هایی شهر تعطیل گردید و اسامی دستگیرشده‌ها عبارت بودند از؛ احمد بهرامیان، حمید دهقان‌پور، ابراهیم نظری، کاظم عقیقیان، حسین نعمتی و ... که در روز ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت با قرار وثیقه پنج تومن آزاد شدند» (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۴۵۹، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷: ۲).

بدین ترتیب در هر مراسمی که برگزار می‌شد عده‌ای مجروح و دستگیر می‌شدند و حتی افرادی نیز به شهادت می‌رسیدند، ولی مبارزه همچنان ادامه داشت.

حجت‌الاسلام محمدتقی عالمی دامغانی که از سوی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان همدان به یک سال تبعید در شهرستان سردشت آذربایجان غربی محکوم شد، در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷ دستگیر و به تبعید اعزام گردید (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۶۸۳). علت تبعید وی از سوی استانداری و کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان همدان چنین اعلام شد:

«نامبرده‌ی بالا به علت ایراد مطالب تحریک‌آمیز و ایجاد اخلال در نظم و آرامش عمومی طبق رأی مورخه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷ کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان همدان به یک سال اقامت اجباری در شهرستان سردشت استان آذربایجان غربی محکوم گردیده‌است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۵/ ۴۳۸).

به دنبال تبعید حجت‌الاسلام عالمی دامغانی بازار همدان در ۲۵ اردیبهشت تعطیل گشت و مردم با اجتماع در مسجد جامع نسبت به اقدام رژیم مبنی بر دستگیری و تبعید انقلابیون و روحانیون اعتراض کردند. در این مجلس عبدالحمید صفایی دانشجوی دانشگاه تبریز و سیدرضا کوشش ابتکار عمل را به دست گرفتند و مردم را به اجتماع و تظاهرات علیه رژیم ترغیب کردند، به همین دلیل افراد مذکور توسط مأمورین شهربانی بازداشت شدند که البته پس از بازجویی به دلیل نبودن مدارک کافی بعدازظهر همان روز یعنی ۲۵ اردیبهشت آزاد شدند (همان: ۴۵۷/۵). اما علاوه بر روحانیون مذکور، دو نفر از روحانیون نهاد نیز به علت فعالیت‌های انقلابی و برگزاری مراسم چهلم شهدای شهرستان‌های قم و تبریز دستگیر و تبعید شدند که عبارت بودند از؛ شیخ‌احمد زمانیان کوهانی و شیخ

محمدعلی حیدری که از روحانیون فعال در نهاوند بود که در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد شهربانی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان نهاوند، هر یک به ترتیب به یک سال اقامت اجباری در شهرهای چابهار و بابک نیز محکوم شده و در تاریخ ۲۸ اردیبهشت به آنجا اعزام شدند (ساکما، ۹۱/۲۹۳/۶۸۳).

شیخ محمدعلی حیدری نیز از روحانیون بسیار فعال نهاوند بود که در مسجد جوانان این شهر با آگاهی بخشی به جوانان به شدت فعالیت می کرد تا جایی که ساواک درباره وی می گوید:

«...وی از روحانیون افراطی است که با سخنرانی در مسجد نهاوند و تحریک اهالی و

ایجاد اختلال در نظم و آرامش عمومی با تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی در ۲۸

اردیبهشت به یک سال اقامت اجباری در شهر چابهار محکوم گردید» (ساکما:

۹۱/۲۹۳/۴۰۴۹).

از سوی دیگر، تبعید شیخ احمد زمانیان کوهانی از روحانیون مبارز نهاوند به شهر بابک به علت فعالیت های حاد سیاسی او و جو مذهبی شهر مذکور مورد اعتراض شورای هماهنگی استان کرمان قرار گرفت و خواهان جابه جایی وی شدند:

«در مورد شیخ احمد زمانیان کوهانی که اخیراً از همدان به شهر بابک تبعید گردیده

تصمیم گرفته شد از طریق ناحیه ژاندارمری و سازمان اطلاعات و امنیت استان کرمان

مدارک لازم جمع آوری و اقدام مقتضی در مورد جابه جایی وی به عمل آید مع هذا

اعضای شورای هماهنگی استان استدعا دارند در مرکز ترتیبی داده شود که این قبیل

اشخاص قبل از تعیین محل تبعید در اختیار شورای هماهنگی استان قرار گیرند تا با

نظر آنها در یکی از شهرها یا نقاطی که مانند شهر بابک نباشد اسکان داده شوند»

(انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۲۴۱/۲).

رژیم پهلوی سعی داشت با تبعید روحانیون فعال و انقلابی در استان همدان از تحرک و روند روبه‌رشد انقلاب جلوگیری کند. ساواک مرکز با ارسال نامه‌ای به ساواک همدان این امر را متذکر شد:

«در مورد افراد محرک شناخته‌شده در حوزه استحقاظی قبلاً اقدامات لازم معمول و با توجه به موقعیت زمانی نسبت به طرد آنان از منطقه اقدام شده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۳۴۵/۲).

تبعید روحانیون مبارز همدان توسط رژیم پهلوی پایان کار برای مبارزه آنان و ایجاد آرامش و تسلط عوامل رژیم بر اوضاع نبود، بلکه مرحله دیگری از مبارزه با شیوه و روشی جدید و متناسب با شرایط زمانی و مکانی بود. اعتراضات مردم علیه سیاست تبعید روحانیون و انقلابیون توسط رژیم، دادگاه استان همدان را بر آن داشت تا در مورد مدت تبعید روحانیون بازنگری و آن را به چند ماه تقلیل دهد. مدت تبعید یک‌ساله حجت‌الاسلام سیدفاضل حسینی و رکنه‌ای در مهاباد (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۶۸۳) به‌وسیله دادگستری استان همدان به سه ماه تقلیل یافت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۳۷۴/۲). سید فاضل حسینی پس از بازگشت از تبعید فعالیت خود را از سر گرفت و در سخنرانی مسجد حوض آقا همدان بارها اسم آیت‌الله خمینی را آورد که با صلوات حاضرین همراه شد و سپس عنوان کرد که می‌بایست بانک‌ها به بانک اسلامی تبدیل شود و همچنین خواستار حکومت اسلامی شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۳۷۴/۲). او در اجتماع ده‌هزار نفری مردم همدان در روز عید فطر در گورستان (باغ بهشت) این شهر سخنرانی مفصلی علیه رژیم ایراد نمود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۴۲۲/۲) و همچنین در بزرگداشت شهدای ۳۰ مهر ۱۳۵۷ در دوم آبان در مسجد جامع همدان سخنرانی کرد تا جایی که پس از پایان سخنرانی مردم با شعارهایی علیه رژیم از مسجد خارج شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۱۴۳/۳). حجت‌الاسلام حسینی تا پیروزی انقلاب اسلامی یکی از وعاظ و سخنرانان مؤثر بودند.

حجت‌الاسلام شیخ حسین عندلیب‌زاده که در مرحله اول به پناه تبعید شده بود، تبعیدش با واکنش مردم مواجه و جامعه روحانیت همدان در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ با صدور اعلامیه و توزیع آن در

این شهر خواهان آزادی وی شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۲۲۲/۲). تبعید او تقلیل یافت و سپس به همدان بازگشت و فعالیت سیاسی خود را از سرگرفت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۱۴۷/۳).

حجت‌الاسلام سید مجتبی حسینی صباح نیز که به دیواندره تبعید شده بود، همین روال را طی نمود و آزاد شد و با بازگشت به همدان فعالیت سیاسی خود علیه رژیم را آغاز نمود (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۶۸۳). حجت‌الاسلام سیدشهاب‌الدین حسینی که براساس کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان همدان به شش ماه تبعید به شهرستان سقز محکوم شده بود (ساکما: ۹۱/۲۹۳/۶۸۳)، بر اساس رأی نهایی ۲۸ خرداد ۱۳۵۷ دادگاه استان همدان تبعید او به چهار ماه کاهش یافت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۲۶۸/۲). او که می‌بایست تا ۱۳ مرداد ۱۳۵۷ در شهرستان سقز در حالت تبعید باقی می‌ماند، در تاریخ ۱۷ تیرماه بدون اطلاع مراجع قضایی محل را ترک نمود و به همین دلیل کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی همدان براساس تبصره ۱ ماده ۳ قانون کمیسیون مذکور به سبب این تخلف، ۲۷ روز اقامت اجباری او به ۲۷ روز بازداشت تبدیل گردید و مقرر شد وی دستگیر و بازداشت شود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۲۶۸/۲). او پس از گذراندن مدت بازداشت آزاد گردید و همانند دیگر روحانیون مبارز، پس از بازگشت فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم از سر گرفت.

در میان تبعیدشدگان حجت‌الاسلام محمدتقی عالمی‌دامغانی و محمدعلی حیدری فعالیت بیشتری در محل تبعید داشتند و آزادی آنان نیز انعکاس بیشتری در میان جامعه یافت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۲۶۱/۲). عالمی‌دامغانی در تبعیدگاه از فعالیت سیاسی علیه رژیم باز نماند. او در سردشت ضمن ارتباط با مراجع تقلید قم و محافل روحانی همچنان به مبارزه خود علیه رژیم ادامه داد. چنان‌که وی همراه دیگر تبعیدیان به سردشت در ۲۸ اردیبهشت در تلگرافی به آیت‌الله شریعتمداری و گلپایگانی نسبت به تجاوز رژیم به حریم روحانیون اعتراض کرد. ساواک در این باره گزارش داد:

«عبدالکریم ربانی شیرازی و محمدتقی عالمی و هادی باریک‌بین روحانیون تبعیدی

به سردشت تلگرافی مبنی بر اینکه خبر تجاوز وحشیانه به حریم روحانیت و کسالت

جناب مستطاب عالی موجب ناراحتی جامعه مسلمین و اینجانبان گردید از خداوند متعال عافیت و بقای حضرتتان و پیروزی اسلام و مسلمین را خواستاریم... «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۵: ۵/۴۷۶».

عالمی از هر فرصتی برای مبارزه با رژیم بهره می‌جست، چنان‌که در یازدهم تیرماه ۱۳۵۷ در مجلسی که از طرف اهالی سردشت به مناسبت شب مبعث حضرت رسول اکرم (ص) در مسجد جامع این شهر تشکیل شده بود و تمام روحانیون تبعیدی نیز در آن حضور داشتند به سخنرانی پرداخت و گفت:

«دشمنان دین مبین اسلام می‌خواهند با ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی میان ما مسلمانان نفاق و دشمنی بیندازند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۵: ۵/۴۷۶).

وی در پایان سخنرانی خود از جوانان سردشت دعوت کرد که در مجلس ۱۲ تیرماه، که به مناسبت مبعث حضرت رسول در مسجد شیعیان سردشت برگزار می‌شود، شرکت کنند. ساواک سردشت با توجه به سخنرانی تند عالمی علیه رژیم، از سخنرانی وی در مسجد شیعیان سردشت جلوگیری نمود (مؤمن، ۱۳۸۶: ۶۷/۲). بدین ترتیب وی بار دیگر در تبعید نیز ممنوع‌المنبر شد. از سوی دیگر حجت‌الاسلام علی عراقچی که در آن زمان برای دیدار با وی به سردشت رفته بود در این باره می‌گوید:

«محل سخنرانی عالمی مسجد پیغمبر همدان در بازار بود. در جریان انقلاب اسلامی اولین کسی بود که صدای نهضت امام‌خمينی را در همدان به گوش مردم رساند و بسیار شجاع بود... یادم هست یکبار هم به سردشت تبعید شد که من به دیدنش رفتم و در سردشت بسیار داغ و تند بود و می‌گفت تا آخرین قطره خون برای انقلاب و در راه امام (ره) تلاش خواهم کرد» (عراقچی، ۱۳۸۹: ۵۷).

حجت‌الاسلام عالمی پس از سپری کردن دوران تبعید در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۵۷ در میان استقبال مردم به همدان بازگشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۳۵۱/۲) و مجدداً فعالیت‌های خود را از سر گرفت، تا جایی که در مراسم شهدای ۳۰ مهر ۱۳۵۷ سخنرانی تندی علیه رژیم ایراد نمود (مؤمن، ۱۳۹۸: ۱۶۵) و یک‌بار دیگر به خاطر فعالیت‌ها علیه

رژیم در ۲۳ آذر ۱۳۵۷ توسط مأمورین دستگیر و در پادگان تیپ ۳ زرهی همدان بازداشت گردید (مؤمن، ۱۳۸۶: ۱۲۷/۲). این فعالیت‌ها تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه یافت.

حجت‌الاسلام شیخ محمدعلی حیدری که از روحانیون مبارز و فعال شهرستان نهاوند بود در جریان سخنرانی در یادبود شهدای یزد و جهرم در مسجد جوانان نهاوند به موجب رأی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان نهاوند به یک سال تبعید در شهر چابهار محکوم گردید، اما بعداً در دادسرای همدان مدت محکومیت و تبعید وی به سه سال کاهش یافت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۴۲۴/۲). او در تبعیدگاه با صدور اعلامیه سعی در هدایت مردم نهاوند و مبارزه با رژیم داشت (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۴۲۴/۲) و پس از سپری کردن دوران تبعید در میان استقبال گسترده مردم در ۱۴ مرداد ۱۳۵۷ از طریق ملایر به نهاوند بازگشت و فعالیت گسترده خود را در مسجد جوانان شهر نهاوند مجدد آغاز نمود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۳۱۹/۲). فعالیت‌های او منجر به دستگیری و بازداشت مجدد وی گردید، اما حیدری فعالیت‌های خود را تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ۱۳۸۹: ۵۱/۳).

با این اوصاف زمانیان کوهانی که مدت محکومیتش به مدت سه ماه کاهش یافته بود در شهر بابک سپری نمود و پس از آزادی به نهاوند بازگشت و فعالیت خود را علیه رژیم از سر گرفت (همان: ۳۴۲/۲). در این مقطع تاریخی علاوه بر روحانیون مبارز، انقلابیون و فرهنگیان دیگری همچون جواد معطری به یک سال تبعید در بانه، سید احمد زهره به یک سال و سید صادق حجازی به دو سال و نیم تبعید در ایرانشهر محکوم شدند (ساکما: ۹۱/۲۸۰/۹۳۸).

نتیجه‌گیری

تبعید کنشگران نهضت اسلامی در ماه‌های پایانی رژیم پهلوی از دیگر اقداماتی بود که حاکمیت با هدف مختل کردن جریان مبارزه در اکثر شهرها به اجرا درآورد. استان همدان با پیشینه مبارزاتی قوی و وجود رهبران سیاسی و مذهبی از جمله این کانون‌ها به شمار می‌رفت که با آغاز سال ۱۳۵۷ و شدت گرفتن فعالیت‌های انقلابی، به‌عنوان ترفندی ریشه‌دار، جمعی از آنها تبعید شدند. در یک

بررسی کلی شاید بتوان ادعا نمود که بیش از نیمی از تبعیدی‌های موج چهارم از شهرستان‌ها بودند. این امر بیانگر گسترش نهضت در اقصی نقاط کشور بود. از جمله این افراد می‌توان به حجت‌الاسلام عالمی‌دامغانی، حیدری، زمانیان‌کوهانی، حسنی ورکانه‌ای، حسینی صباح، عندلیب‌زاده و حسنی از استان همدان اشاره کرد.

هدف هیئت حاکمه از تبعید مبارزان، جلوگیری از گسترش نهضت بود، اما این تصمیم به مانند دیگر اقدامات تأمینی و بازدارنده حکومت نتیجه عکس داده و خود به یکی از عوامل شتاب‌دهنده نهضت اسلامی بدل شد؛ چراکه تبعیدی‌ها خود به‌عنوان حاملان و پیام‌رسانان نهضت، دامنه مبارزه را به تبعیدگاه‌ها کشاندند. نخستین پیامد حضور فیزیکی یک روحانی مبارز در تبعیدگاه، فقدان مشروعیت قدرت حاکم بود. تبعیدیان پیام‌رسانان آموزه‌های نهضت در اقصی نقاط محروم و دورافتاده کشور بودند که برای اهالی، به جان شاه دعا نمی‌کردند و توانسته بودند گام بزرگی برای از مشروعیت انداختن نظام حاکم بردارند. از سوی دیگر، ارتباط روحانیون تبعیدشده نه تنها با مردم شهرشان قطع نشد، بلکه موجب محبوبیت و ارتقا جایگاه مبارزاتی آنان نیز گردید و آنها را برای ادامه مبارزه علیه رژیم مصمم‌تر ساخت. رژیم تلاش داشت محل تبعید روحانیون به گونه‌ای انتخاب شود که با وضعیت اقلیمی، مذهبی آنان متفاوت و گاه متضاد باشد و از بُعد مسافت بیشتری نسبت به محل سکونت اصلی آنان برخوردار باشد تا امکان ارتباط با آنها میسر نگردد. البته این شیوه هم خیلی نتوانست تأثیر چندانی در ارتباط‌گیری تبعیدیان با همدیگر، مردم محل تبعید و حتی زادگاه آنان داشته باشد. چراکه آنها همچنان با دارا بودن عقاید سیاسی مخالف رژیم فعال بوده و حتی جو امنیتی محل تبعید را شکسته و تجربیات خود را به مبارزین محلی انتقال می‌دادند.

تبعیدیان در زادگاه و زیستگاه خود از شخصیت‌های مطرح و به‌نوعی تأثیرگذار بودند که نقش زیادی در هدایت و تسریع روند انقلاب اسلامی داشتند و به همین خاطر با فشار انقلابیون، مردم و یا شاید به گمان خود رژیم برای آرام کردن شهرهای محل سکونت و محل تبعید، مدت اقامت اجباری آنها را کاهش داد و سپس آزاد نمود که بازگشت آنان نیز این پیوند را عمیق‌تر و روند گسترش انقلاب را هرچه بیشتر سرعت بخشید.

کتابنامه

الف) اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، سند شماره: ۹۹۸/۴۸۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی غرب کشور (همدان) (ساکما)، سند شماره: ۹۱/۲۹۳/۴۰۴۹؛ ۹۱/۲۹۳/۶۳۸؛ ۹۱/۲۹۳/۳۹۰۶؛ ۹۱/۲۹۳/۲۵۴۷؛ ۹۱/۲۹۳/۵۵۱۷؛ ۹۱/۲۴۵/۵۷۲؛ ۹۱/۲۸۰/۷۲۶.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، پرونده امام خمینی کد ۱۱۱/۱ و ۱۱۱/۳، پرونده روحانیت مبارز، کد ۳۷۹۲/۳؛ ۱۲۱۷۶/۶، شماره بازیابی: ۲۳۸.
- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۵، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار استان همدان، ج ۲ و ۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۹.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷.

ب) کتابها

- احمدی، محمدرضا، خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی، ج ۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، ج ۲.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳۷۳.
- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۳، تهران، حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران، گفتار، ۱۳۷۲.
- عراقچی، علی، پرتوآفتاب «خاطرات آیت الله علی عراقچی»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.

۳۴۸ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مؤمن، ابوالفتح، انقلاب اسلامی در همدان، ج ۱ و ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

مؤمن، ابوالفتح، خیزش دانش‌آموزی «واکاوی قیام دانش‌آموزان همدان در سی‌ام مهر ۱۳۵۷»، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۸۹.

مؤمن، ابوالفتح، دریچه‌ای به تاریخ معاصر ایران «مجموعه مقالات»، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۰.

معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، سرایش، ۱۳۸۱.

نیکزاد طهرانی، علی‌اکبر، خاطرات و خطرات فلسفی در عرصه خطابه و منبر، قم، دبیرخانه اجلاس حوزه و تبلیغ، ۱۳۷۸.

ج) روزنامه

روزنامه اطلاعات، ش ۱۵۵۷۳، ۱۲ فروردین ۱۳۵۷.

روزنامه کیهان، ش ۱۰۴۵۹، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۷.

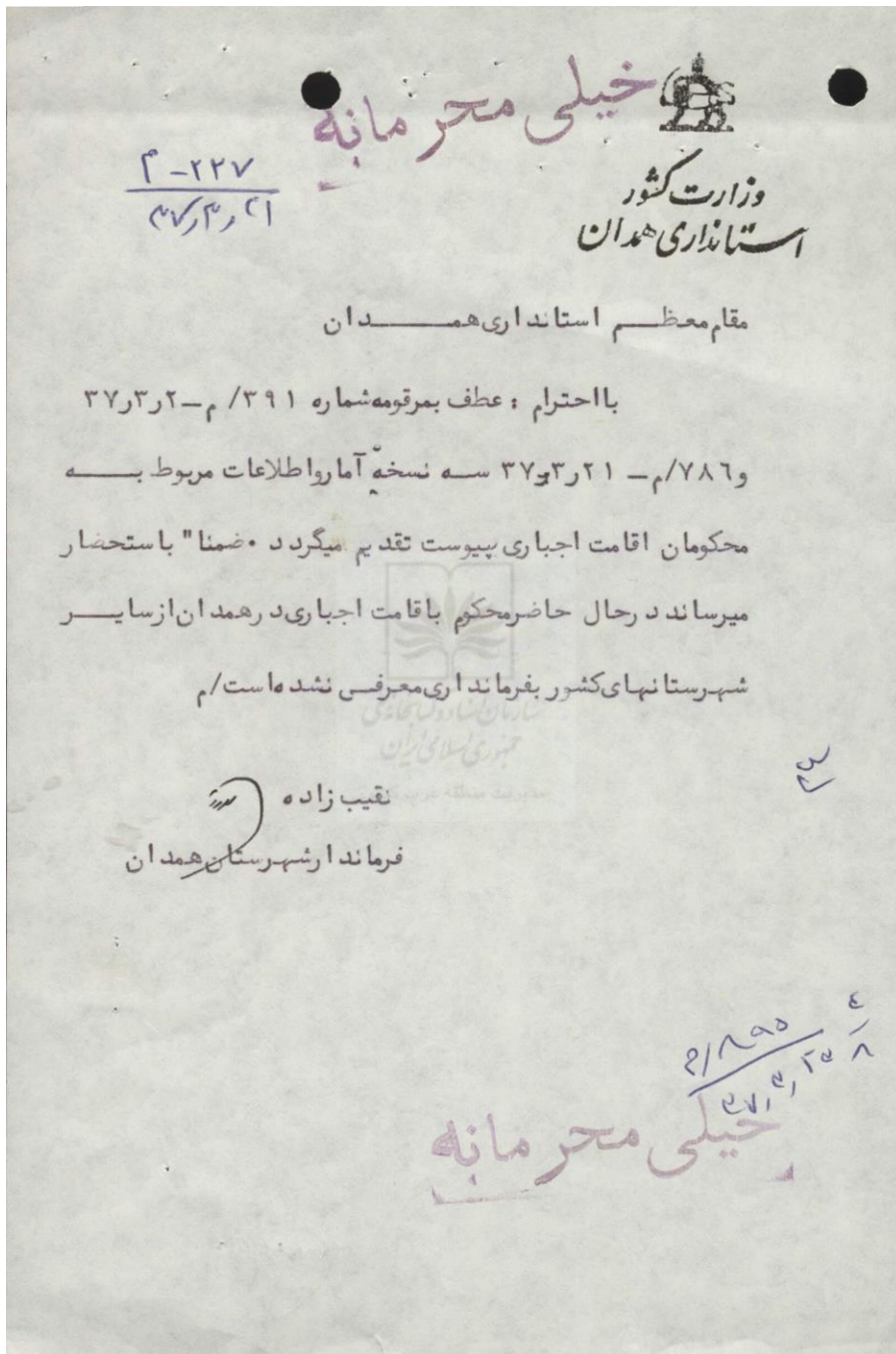
د) مقاله

سادات بیدگلی، محمود، «تحلیل ملاک‌های انتخاب تبعیدگاه برای تبعیدیان دوره پهلوی اول»، فصلنامه تاریخ انتظامی، س ۳، بهار ۱۳۹۵، ش ۹: ۱-۲۲.

ه) مصاحبه

مصاحبه با سیدفاضل حسنی ورکانه، ۱۳۷۸/۸/۵: همدان.

- [آمار و اطلاعات انقلابیون تبعیدی از همدان در دوم خرداد ۱۳۵۷]

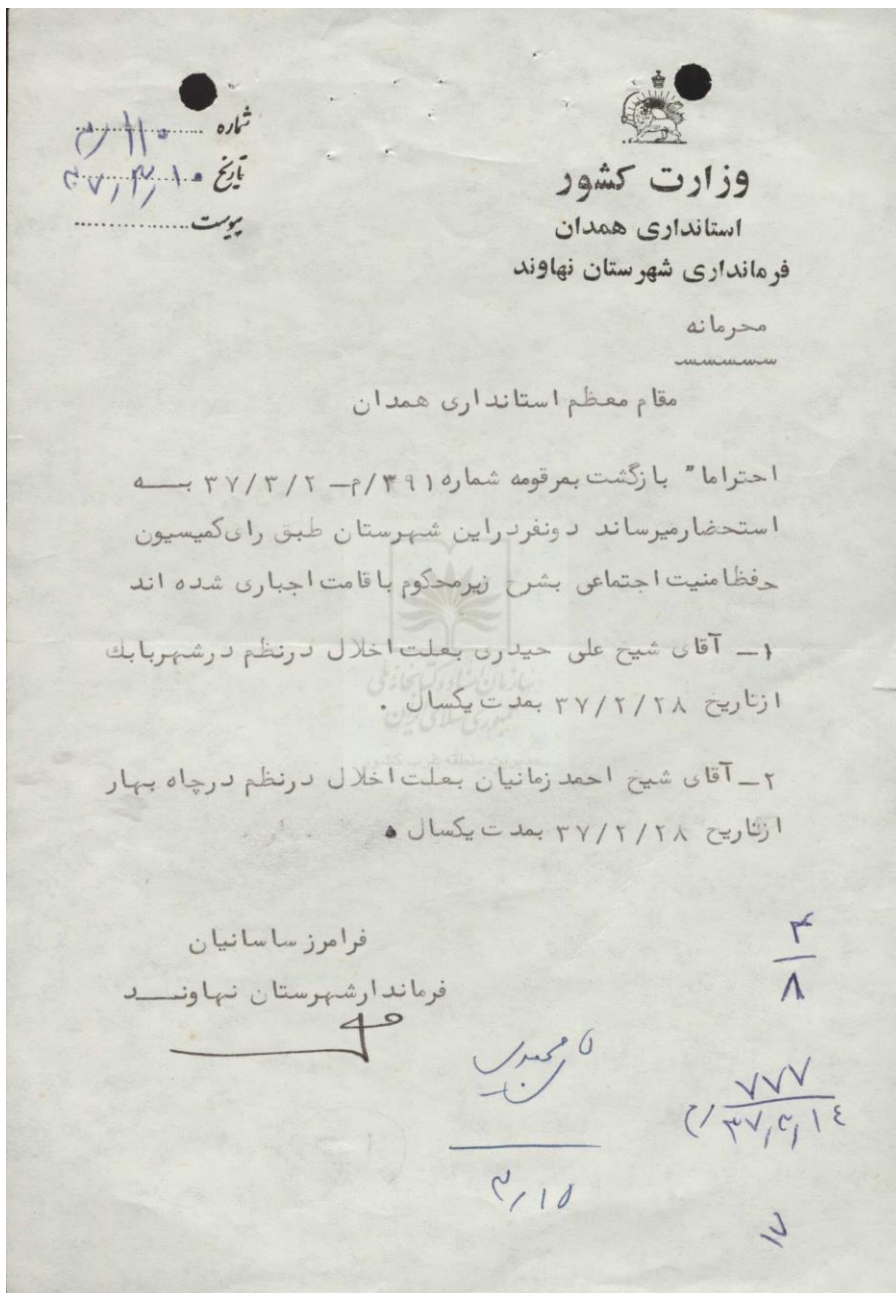


ردیف	نام خانوادگی	محل حکومت	دست حکومت	دست حکومت	دست حکومت	دست حکومت	دست حکومت
۱	سید حسن حسینی	اصول دین	۱۳۵۱	-	دیناندره	۶۸ رز	۲۹۲۰ رز
۲	سید رضا حسینی	"	۱۳۵۱	-	فهاد	۵۵ رز	۳۰۵ رز
۳	سید حسن حسینی	"	۱۳۵۱	-	فهاد	۶۸ رز	۲۹۲ رز
۴	سید رضا حسینی	"	۱۳۵۱	-	سبز	۵۶ رز	۱۲۴ رز
۵	سید علی حسینی	"	۱۳۵۱	-	فهاد	۵۵ رز	۳۰۴ رز
۶	سید حسن حسینی	"	۱۳۵۱	-	سبز	۱۶ رز	۳۴۴ رز

خلاصه سیزده نفر

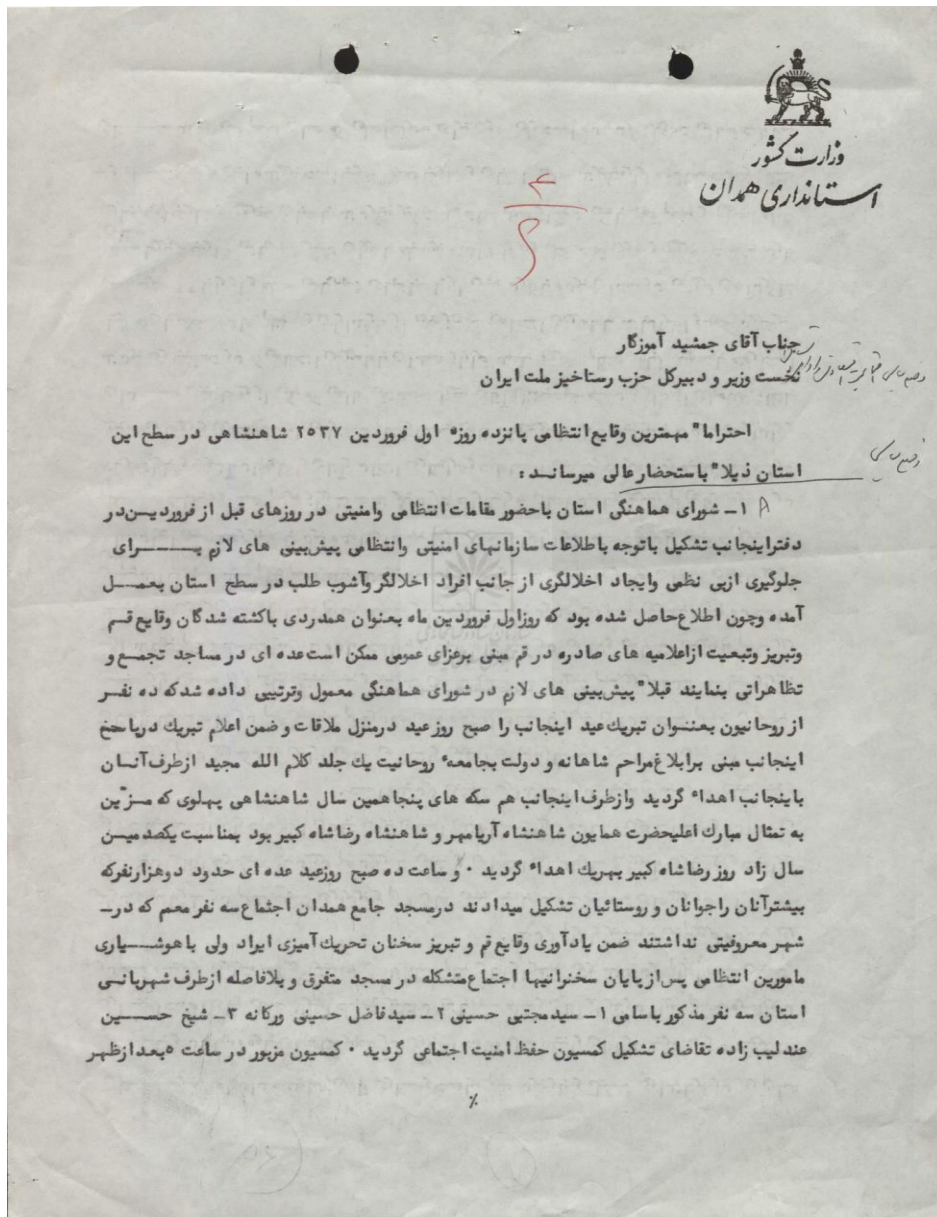
تاریخ تنظیم: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۱

۲۱



[مکاتبه فرمانداری شهرستان نهاوند با استانداری همدان راجع به تبعید شیخ احمد زمانیان و شیخ علی

حیدری از روحانیون مبارز در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۷]



[گزارش استاندار همدان قدرت خدایاری به جمشید آموزگار دبیرکل حزب رستاخیز ایران در فعالیت روحانیون در گرامی داشت شهدای قم و تبریز در مسجد جامع و تبعید آنان بر اساس رأی

کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی در فروردین ۱۳۵۷]

۵۲

۱۸

همان روز در فرمانداری تشکیل و با وجود عدم موافقت و همکاری قاضی نماینده دادگاه شهرستان با اکثریت ۵ رای هریک از آنان رایبک سال اقامت اجباری در شهرستانهای پاوه، مهاباد و بخش دیواندره محکم نورا^۱ دونفر از آنان وسیله شهرستانی دستگیر و جهت اجراء بمحل های اقامت اجباری تعیین شده اعزام گردیدند ولی یک نفر از آنان بنام سید فاضل حسینی ورگانه متواری گردیده که در روز یا زنده فروردین دستگیر و اعزام گردید *

۲- در روزهای تعطیلات عید با پیش بینی های لازم و برقراری کشیک منظم در سازمانهای دولتی و مراقبت و هوشیاری ماموران سازمانهای انتظامی و امنیتی تا روز دهم فروردین هیچگونه اتفاق دیگری رخ نداده و جلسات فوق العاده شورای هماهنگی استان برای تبادل اطلاعات و اتخاذ تصمیمات لازم و پیش بینی های بموقع مرتباً^۲ در استانداری تشکیل گردیده است *

۳- چون اطلاعات واصله سازمانهای امنیتی و انتظامی حاکی از این بود که روز دهم فروردین بعنوان چهارم کشته شدگان تهریز با ستاد اعلامیه های صادره تم مجالس ختم در نقاط مختلف استان برگزار خواهد شد عصر روزنهم شورای هماهنگی تشکیل تدابیر و پیش بینی های لازم معمول و از صبح روز دهم مامورین انتظامی و نظای در کلیه نقاط استان بحالت آماده باش مراقب حفظ نظم بودند از ساعت ده صبح بتدریج عده ای حدود چهار هزار نفر در مسجد جامع همدان اجتماع و چون هیچک از روحانیون همدان حاضر به سخنرانی در اجتماع نشده بودند یک نفر معمم بنام سید شهاب الدین حسینی که قبلاً^۳ با دعوت چند نفر از افراد محلی از قم بهمدان آمده بود به منبر رفته ضمن ایراد منطابی در خصوص وقایع قم و تهریز و تائید اعمال خرابکارانه در دیگر نقاط کشور از مردم همدان بعلمت عدم شرکت همه جانبه و تظاهرات و تشکیل اجتماعات و خرابکاری انتقاد و آنان را با ایجاد آشوب و بلوا تحریک و اادار مینداید که با مراقبت کامل مامورین انتظامی بعد از اتمام سخنرانی اجتماع متفرق و روحانی مزبور با اتفاق عده ای از دار و دسته خود بمنزل آقای میرزا محمد تقی عالمی که یکی از روحانیون همدان است رفته با تمویض لباس هنگام خروج بقصد فرار از همدان با مامورین انتظامی که در تعقیب وی بودند برخورد خود و اطرافیان را با مامورین انتظامی گلابز یکی از طرفداران وی بنام هادی خضریان که گویا شاگرد آهن فروشی در همدان بوده با کارد بیکری از پاسانهای شهرستانی حمله و او را با ۲۲ ضربه کارد بشدت مجروح و چون قصد قتل وی را داشته بوسیله ماموران دیگر شهرستانی ضارب مزبور پاسان گلوله مجروح و معمم نمی بایکی دیگر از همدستانند دستگیر میگردد پاسان مجروح و ضارب او بمیمبار منتقل و تحت معالجه قرار میگیرند حال پاسان و ضارب فعلاً^۴ خوب است پرونده این موضوع تکمیل و بمقامات قضائی تحویل گردیده است ولی چون برای محرک اصلی که همان معمم نمی و همدستان



وزارت کشور
استاندارداری همدان

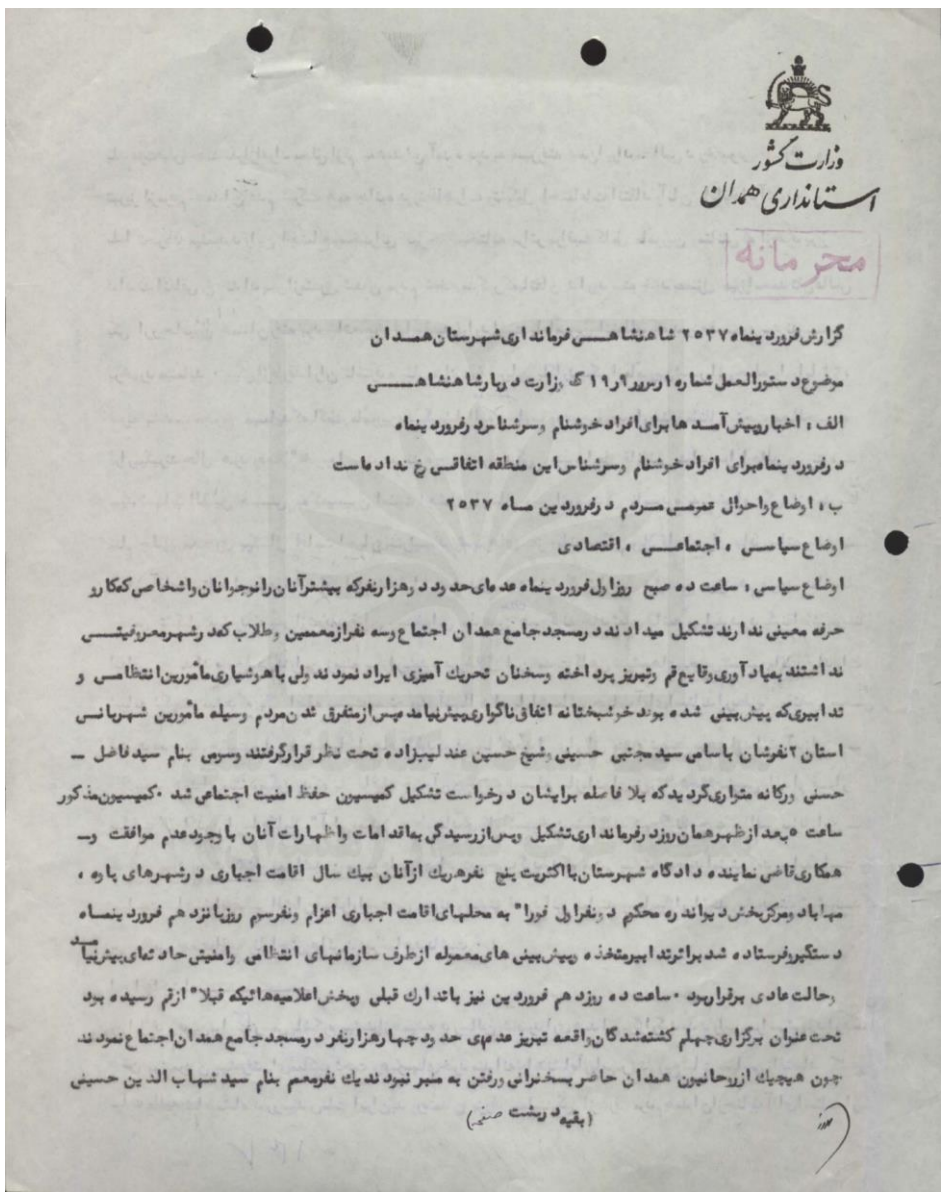
وی قرارگرفت از جانب دادیار داد سرا بمبلغ پنجاه هزار ریال صادر گردیده بود که مسلماً با پرداخت آن آزاد میگردد . لذا برای اینکه نامبردگان آزادانه بتوانند به فعالیتهای مضره و تحریک آمیز خود که موجب بلوا و آشوب میگردد ادامه دهند موضوع در کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی در فرمانداری مطرح و سید شهاب الدین حسینی معمم قس و جواد معطری همدست وی بترتیب به ششماه و یکسال - اقامت اجباری در شهرستانهای سفزویانه محکوم و بلافاصله رای صادره بموقع اجرا گذارده شده است .

۴- در بخش کبوترآهنگ و شهرتویسرکان نیز صبح و عصر روز دهم مجالس ختمی بهمین مناسبت در مسجد تشکیل پس از تلاوت قرآن و سخنرانی مذهبی بدون هیچگونه حادثه ای خاتمه یافته است در دیگر نقاط استان خوشبختانه هیچگونه حادثه ای اتفاق نیفتاده است .

۵- در خلال این مدت گاهی شیشه های شعب بانک صادرات را در شهر همدان و نهاوند شبانه شکسته اند که بلافاصله صبح زود شیشه ها تعویض و سعی گردیده است موجب وحشت مردم مخصوصاً اصناف نگردد . ضمناً تعدادی اوراق مضره توسط برخی از دانش آموزان مدارس در همدان منتشر که بلافاصله جمع آوری و موضوع بنیحت بررسی میاشد .

قدرت الله خدایاری

استاندار همدان



[گزارش فرمانداری شهرستان همدان در فروردین ۱۳۵۷ در خصوص فعالیت روحانیون همدان در گرامیداشت شهدای تبریز و سخنرانی روحانیون حسین عندلیب زاده، سید فاضل حسینی و ورگانه و شهاب الدین حسینی در این زمینه و تبعید آنان به پاوه، مهاباد و دیواندره بر اساس رأی کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی]

وزارت کشور
شماره ۱۰۰۸
تهران، استان همدان
(کلیه)

از اطلاعات شهرستان همدان شماره ۱۰۰۸-۵-۵۴۷
همدان
ریاست محترم سازمان اطلاعات در تاریخ ۱۳۶۴
موضوع: سید قاجل حسینی و خانواده . بیست و یک
اربر

نامبرده بالا که با اتهام سخنرانی خلاف واقع و تحریک اعدای به یاسال امنیت
اجباری در شهرستان مهاباد تبعید گردیده ضمن ارسال نامه ای مطالب عنوان
شده که فتوکپی نامه وی جهت هرگونه اقدام به پرونده ارسال میگردند

رئیس اطلاعات شهرستان همدان
[Handwritten Signature]

تاریخ	موضوع	محل	تاریخ	موضوع	محل
۱۳۶۴/۵/۱۴					